

A study of Amir Khusrow Dehlavi's literary standing and the reflection of divine attributes and the prophetic visage in the book *Matla' al-Anwar*

Mohammad Fouladi¹

Associate professor. Qom University

Hussain Ali Raza Malik²

PhD. student of Persian language and literature, Higher Education Complex for Language, Literature and Culturology

Received: 2025/03/03 | Accepted: 2025/04/06

Abstract

Amir Khusrow Dehlavi was one of the prominent figures of his era and was thoroughly familiar with both Indian and Iranian cultures. Following his spiritual master, Nizam al-Awliya, he addressed many religious, mystical, epistemological, and ethical subjects in his poetry. He sought to create a positive intellectual foundation for his audience. Amir Khusrow also strengthened the cultural link between India and Iran, and the influence of both cultures is visible in his verses. Therefore, given the importance of the subject and Amir Khusrow's significant status, this article, using a descriptive-analytical approach, examines Amir Khusrow Dehlavi's literary position and the reflection of divine attributes and the prophetic visage in his book *Matla' al-Anwar*. The study concluded that Amir Khusrow is one of the greatest Persian-language poets of India and that his poetry has distinct features and a unique style. He invented a style that later became known as the Indian style in subsequent years and periods. In *Matla' al-Anwar*, Amir Khusrow was able to emulate Nizami's *Makhzan al-Asrar*. The book *Matla' al-Anwar* is rich in religious, mystical, and ethical knowledge, and its descriptions of God Almighty and the Prophet Muhammad hold a special status.

Keywords: Amir Khusrow Dehlavi, *Matla' al-Anwar*, religious themes, mystical themes.

1. E-mail: m-fooladi@qom.ac.ir

2. E-mail: malikimovic9@gmail.com



بررسی جایگاه ادبی امیر خسرو دهلوی و بازتاب اوصاف الهی و سیمای نبوی در کتاب مطلع الانوار

محمد فولادی^۱

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم

حسین علی رضا ملک^۲

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، مجتمع آموزش عالی زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸

چکیده

امیرخسرو دهلوی از چهره‌های نام‌آور عصر خود بوده و با فرهنگ‌های هندی و ایرانی آشنایی کامل داشته است. وی به پیروی از پیر خویش، نظام اولیاء، در شعرش به بسیاری از موضوعات دینی، عرفانی، معرفتی و اخلاقی پرداخته است. وی کوشید تا زمینه فکری مثبتی برای مخاطب خود ایجاد کند. امیرخسرو حلقه اتصال فرهنگی هند و ایران را نیز محکم‌تر کرد و در اشعارش نیز تأثیر هر دو فرهنگ قابل مشاهده است. از این رو با توجه به اهمیت موضوع و جایگاه مهم امیرخسرو، در این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی جایگاه ادبی امیرخسرو دهلوی و بازتاب اوصاف الهی و سیمای نبوی در کتاب مطلع الانوار او پرداخته ایم. از بررسی موضوع این نتیجه به دست آمد که امیرخسرو یکی از بزرگ‌ترین شاعران فارسی‌زبان و فارسی‌سرای هندوستان است و اشعارش ویژگی‌ها و سبک خاصی دارد. او سبکی را ابداع کرد که در سالیان و دوره‌های بعد به سبک هندی معروف شد. امیرخسرو در مطلع الانوار توانسته مخزن الاسرار نظامی را همانندسازی کند. کتاب مطلع الانوار، سرشار از معارف دینی، عرفانی و اخلاقی است و توصیف خداوند باری و پیامبر اکرم در آن از جایگاهی ویژه برخوردار است.

واژگان کلیدی

امیرخسرو دهلوی، مطلع الانوار، مضامین دینی، مضامین عرفانی.

1. E-mail: m-fooladi@qom.ac.ir

2. E-mail: malikimovic9@gmail.com

ادبیات، آینه‌ای «بی‌دروغ و بی‌نقاب» است که بسیاری از مضامین مانند وقایع تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و افکار و دغدغه‌های نوع بشر، در آن بازتاب یافته است. مضامین دینی و زیرشاخه‌های آن از مهم‌ترین این موضوعات است که با بسامد بالایی در آثار شاعران دینی و آیینی بازتاب یافته است.

امیرناصرالدین ابوالحسن خسرو دهلوی (۶۵۱-۷۲۵ق) از عارفان و شاعران نام‌آور پارسی‌گوی هندوستان در نیمه دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است که با دو فرهنگ هندی و ایرانی آشنایی کامل داشته است. وی با پیروی از پیر خود، نظام اولیاء، به بسیاری از موضوعات دینی، عرفانی، معرفتی و اخلاقی در شعر خود پرداخته و کوشیده تا زمینه فکری برای مخاطب خود ایجاد کند. امیرخسرو حلقه اتصال فرهنگی هند و ایران را نیز محکم‌تر کرد و در اشعار وی نیز تأثیر هر دو فرهنگ قابل مشاهده است (ر.ک: صفا، ۱۳۸۶: ۷۷۱/۳-۷۸۶). از این رو با توجه به اهمیت موضوع و جایگاه مهم امیرخسرو به بررسی مضامین دینی و عرفانی کتاب *مطلع الانوار* امیرخسرو دهلوی پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

با توجه به جایگاه امیرخسرو در سرودن اشعار و آشنایی وی با چند زبان مختلف و فرهنگ هند و ایران، آثار وی، به‌ویژه اشعاری که شامل مضامینی مانند عشق، عرفان و مسائل دینی هستند، همواره مورد توجه بوده و در کتب تاریخ ادبیات و تذکره شعرا و ادبا، به شکل کلی و در حد بیان احوال و حالات بدان پرداخته‌اند. در دوره جدیدتر، آثار او و به‌ویژه *مطلع الانوار* که موضوع بحث ماست، در نشر میراث مکتوب تصحیح و چاپ شده است و مصحح در مقدمه به برخی مباحث مرتبط با زندگی و اشعار او پرداخته است (امیرخسرو، ۱۳۹۷) و در برخی مقالات نیز موضوع سبک شعری و جایگاه موسیقی شعر او و... بررسی شده است؛ اما موضوع ویژه مضامین دینی به صورت مستقل بررسی نشده است. از جمله پژوهش‌های مرتبط با این مقاله عبارت‌اند از تصحیح و تحقیق *مطلع الانوار* امیرخسرو دهلوی از مریم زمانی (الله‌داد) (ر.ک: همان). زمانی در این تحقیق افزون بر تصحیح متن، مقدمه‌ای نیز در شرح احوال امیرخسرو آورده است. همچنین علیرضا نبی‌لو

مقایسه‌ای بین مخزن الاسرار و مطلع الانوار انجام داده است. مقاله «اخلاق در مطلع الانوار» امیر خسرو دهلوی» (پناهی، ۱۳۸۹) نیز به موضوع اخلاق در مطلع الانوار پرداخته است. درباره آثار دیگر امیر خسرو نیز تحقیقاتی انجام شده است که گرچه مستقیماً به کتاب مطلع الانوار مربوط نیست، به گونه‌ای مباحث مشترکی را بیان کرده‌اند؛ از جمله پایان‌نامه «تحقیق در دیوان امیر خسرو دهلوی» (مردانلو، ۱۳۸۹)؛ مقاله «منشور اخلاق آرمانی در خمسة امیر خسرو دهلوی» (کرمی، ۱۳۸۶)؛ مقاله «عناصر بلاغی در شعر امیر خسرو دهلوی» (رئیزی بهان، ۱۳۸۸)؛ مقاله «امیر خسرو دهلوی و موسیقی دیوان او» (کی منش، ۱۳۸۵)؛ مقاله «ریخت‌شناسی، عناصر زینتی و عرفانی اشعار امیر خسرو دهلوی» (وفایی و یدی، ۱۳۹۲) و مقاله «بررسی دو عامل موسیقایی وزن و ردیف در غزلیات امیر خسرو و حافظ» (یزدانی و روحانی، ۱۳۹۲). در این مقالات موضوعات گوناگون در شعر امیر خسرو بررسی شده است، اما موضوع بررسی جایگاه ادبی امیر خسرو دهلوی و بازتاب اوصاف الهی و سیمای نبوی در کتاب مطلع الانوار، به شکل مستقل انجام نشده است.

۱. بررسی احوال و آثار امیر خسرو دهلوی

امیر ناصرالدین ابوالحسن خسرو بن امیر سیف‌الدین، محمود دهلوی معروف به امیر خسرو دهلوی، از عارفان و شاعران بنام فارسی‌گوی هندوستان در نیمه دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است. پدر وی سیف‌الدین محمود یکی از امرای قبیله لاجین، از قبایل ترک ختایی در شهر کش، از نواحی سغد، دوازده فرسنگی سمرقند، می‌زیست است. در برخی کتب مانند تاریخ فرشته آورده شده که پدر امیر خسرو، امیر سیف‌الدین از میرزاده‌های هزاره بلخ بود که در نزدیکی منطقه قرش ساکن بوده است. در تذکره الشعراء آورده است که اصالت پدرش از شهر کش بوده است و آن شهر را قبه الخضراء می‌نامند. در زمان حمله مغول و اقوام تاتار به این مناطق و نابسامان شدن اوضاع اجتماعی و از بین رفتن امنیت ساکنین این مناطق، امیر سیف‌الدین محمود نیز مانند دیگر اهالی ساکن در این منطقه ساکنان نواحی شرقی فلات ایران به هندوستان رفت، این هجرت در دوره حکومت شمس‌الدین التتمش (۶۰۷-۶۳۳) بود که شامل نواحی شمالی هند و ناحیه سند در پاکستان کنونی می‌شد. سیف‌الدین محمود عزم خود را جزم کرد و به خدمت کردن به شمس‌الدین



پرداخت و طولی نکشید که به امیری و وزیری رسید و در جنگ‌ها و فتوحات شرکت - کرد.

خود امیر خسرو نیز در مورد پدرش این گونه سروده:

جهان به قوت او می گرفت التتمش که بر کشید خدایش به قبضه قدرت

پدر امیر خسرو در منطقه مؤمن آباد پیتالی که از مناطق نزدیک دهلی است، زندگی را شروع کرد و با دختر عمادالملک که او خود نیز یکی از امرای پادشاه بود، ازدواج کرد و حاصل این وصلت، فرزندی به نام امیر خسرو بود که در سال ۶۵۱ق به دنیا آمد (ر.ک: صفا، ۱۳۸۶: ۳ / ۷۷۵). در حدود سال ۶۵۸ق در ۸۵ سالگی امیر سیف‌الدین در نبرد با کفار هند کشته شد و پسرش عزالدین علی شاه جانشین پدر شد. در این زمان امیر خسرو که فقط هفت سال داشت به جد مادری خود سپرده شد. امیر خسرو دوران کودکی و نوجوانی خود را با فراگرفتن زبان و ادب فارسی در دهلی گذراند؛ پدرش او و دو برادر بزرگ‌ترش یعنی عزالدین علی شاه و نصیرالدین محمود را به خدمت و دست‌بوس سلطان‌المشایخ شیخ نظام‌الدین محمد بن احمد دهلوی، معروف به نظام اولیاء (متوفای ۷۲۵ق) فرستاد. نظام اولیا از بزرگان سلسله چشتیه بود و امیر خسرو از این روز تا پایان زندگی خود، هیچ‌گاه ارادت خود را به وی کم نکرد و خود نیز پیرو عرفان چشتیه بود. در خدمت نظام اولیا، امیر خسرو با خواجه حسن، دهلوی شاعر معروف، و ضیاء‌الدین بن رجب مدنی، مؤلف تاریخ فیروزشاهی آشنا شد. در ضمن همه این احوال و وقایع، امیر خسرو به تعلم علوم نیز مشغول بود چنان که خیلی زود فراگیری بسیاری از علوم رایج زمان خود را به پایان رساند.

چون امیر خسرو به جوانی و حد بلوغ فکری رسید به دربار غیاث‌الدین بلین (حک: ۶۶۴-۶۸۶ق) رفت و آمد پیدا کرد و به ستایش برخی امرا همچون ملک چهچو (کتلوخان) پرداخت و سپس به خدمت پسر بزرگ‌تر غیاث‌الدین بلین (ملک محمد قآن) درآمد. وقتی که شاهزاده به پادشاهی نواحی مولتان (ملتان، پاکستان کنونی) رسید، امیر خسرو همراه خواجه حسن دهلوی و به اتفاق شاهزاده به نواحی مولتان رفت و ملازم وی شد تا در سال ۶۸۴ق که ملک محمد قآن کشته شد و در این حادثه و نابسامانی، امیر خسرو و خواجه حسن دهلوی به اسارت مغول‌ها درآمدند.

امیر خسرو همچنین در دستگاه حکومتی پادشاهان دهلی از جمله رکن‌الدین ابراهیم و

علاءالدین محمد (مدت سلطنتش کوتاه و مقارن با سال ۶۹۵ق بوده است) و شهابالدین عمر (حک: ۶۹۵-۷۱۵ق) و قطبالدین مبارک شاه (حک: ۷۱۵-۷۱۶ق) مورد احترام و عزیز بود تا هنگامی که دوران حکومت و سلطنت تغلق شاه رسید. غیاثالدین تغلق شاه (حک: ۷۲۰-۷۲۵ق) ارادتی خاص به امیر خسرو داشت و حتی به مقام و مرتبتش افزود و او را بزرگ داشت که *تعلق نامه* امیر خسرو به نام وی سروده شده است. امیر خسرو در سفر شاه به بنگاله به همراه او بود و در بازگشت از آن دیار در سال ۷۲۵ هجری در راه باخبر شد که مراد او شیخ نظامالدین اولیا دار فانی را وداع گفته است. از محضر شاه اجازه ترک خدمت گرفت و به سرعت خود را به شهر دهلی رساند و مجاور و خدمتکار قبر مرشد خویش شد و هر چه از اموال و متاع دنیا داشت به فقرا و نیازمندان بخشید.

درباره پایان زندگی و مرگ امیر خسرو نیز این گونه آمده است: «وقتی امیر خسرو با سلطان غیاثالدین تغلق در سفر بود، در زمان عدم حضورش، استاد و پیروی، سلطان المشایخ از دنیا به دیار باقی سفر کرد و امیر وقتی از سفر بازگشت، بسیار غم‌زده و اندوهگین شد و لباس پاره و کهنه بر تن کرد و با درماندگی کنار قبر وی رفت و به مدت شش ماه در آنجا بود تا اینکه از دنیا رفت و کنار قبر سلطان المشایخ به خاک سپرده شد. همچنین در تاریخ فرشته آمده است که سلطان المشایخ فرمود: «در قیامت هر کسی به چیزی فخر کند و فخر من به سوز سینه این ترک است» (صفا، همان: ۷۷۹).

امیر خسرو علاوه بر اطلاعات گسترده درباره زبان‌های فارسی، ترکی و عربی، با زبان هندی و ادب آن آشنایی داشت و در نظم و نثر نیز استاد بود؛ همچنین در موسیقی هر دو فرهنگ هندی و ایرانی بسیار مهارت داشت. ذکر شده که امیر خسرو صدای دلنشینی داشته و پرده‌ها و نغماتی را ابداع کرده که تا سیزده پرده ذکر شده است.

آثار امیر خسرو: امیر خسرو آثار نظم و نثر فراوانی داشته است.

آثار نثر: *خزائن الفتوح*، *کتاب افضل الفوائد*، *وسائل الاعجاز* یا *اعجاز خسروی* (درباره قواعد نوشتاری زبان فارسی که در سه جلد در سال ۷۱۹ق تألیف شده است).

آثار نظم: *دیوان امیر خسرو* شامل انواع مختلف اشعار وی، *مثنویات* که خود امیر خسرو آن را در پنج دفتر (پنج گنج) مرتب کرده و برای هریک از آنها نامی جداگانه برگزیده است. این پنج دفتر عبارت‌اند از: *تحفه الصغر*، *وسط الحیات*، *غره الکمال*، *بقیه نقیه*، *نهایه*

الکمال، جواهر خسروی؛ ثمانیه خسرویه (مثنوی‌های هشتگانه) و دیگر مثنوی‌ها: قران السعدین، منظومه دول رانی خضرخان، تاج الفتوح، نه سپهر، تعلق‌نامه، شیرین و خسرو در بحر هزج مسدس مقصور است و امیر خسرو آن را به تقلید از خسرو و شیرین نظامی سروده است، مجنون لیلی که امیر خسرو این منظومه را نیز به تقلید از لیلی و مجنون نظامی سروده است، آینه اسکندری در جواب اسکندرنامه نظامی (شرف‌نامه و اقبال‌نامه)، هشت بهشت که در جواب هفت پیکر نظامی سروده شده و به داستان بهرام گور پرداخته است، مطلع الانوار که منظومه‌ای است در بحر سریع در جواب مخزن الاسرار نظامی گنجوی و در ۳۳۱۰ بیت سروده شده است. اعجاز امیر خسرو این گونه است که این تعداد بیت را در مدت دو هفته سروده است (صفا، ۱۳۸۶: ۳/ ۷۸۰).

از اثر اخترگردون خرام شد به دو هفت این مه کامل تمام

در این کتاب که مورد بحث ما در این جستار نیز هست، امیر خسرو در آغاز، حمد و ثنای خداوند را آورده و سپس اشعاری در ستایش پیامبر اکرم (ص) و عظمت آن حضرت بیان کرده است و در مدح مرشد و مراد خود و سپس درباره سلطان سروده است. سپس سه خلوت و تعداد بیست مقاله که حکایات را هم شامل می‌شود، آورده است که در آن میان به موضوع‌هایی مانند توحید، تحقیق و تهذیب نفس و تربیت می‌توان اشاره کرد. امیر خسرو در این کتاب توانسته مخزن الاسرار نظامی را همانندسازی کند.

اهمیت مطلع الانوار: اوضاع هندوستان به گونه‌ای بود که اندیشه‌های عرفانی و اخلاقی در بین مردم جایگاه ویژه‌ای داشت و همین امر باعث مورد توجه قرار گرفتن زبان و ادبیات فارسی نزد مردم آن دیار شد و مرزهای زبان فارسی را گسترش داد و در نتیجه آثار ارزشمند بسیاری به این زبان تألیف شد و هم ارتباط این دو کشور را از پیش بیشتر کرد و پیوند محکم فرهنگی را میان مردم ایران و هند شکل داد. از جمله آثاری که ثمره این ارتباط و پیوند بین این دو فرهنگ بود کتاب ارزشمند مطلع الانوار است که از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از دلایل برخوردار بودن این جایگاه ویژه می‌توان به ویژگی‌های ادبی و زبانی که امیر خسرو به تقلید از کتاب مخزن الاسرار آورده، اشاره کرد و می‌توان آن را بهترین نظیره مخزن الاسرار نامید و همچنین توجه به مسائل اخلاقی و عرفانی، تنوع اندیشه‌های اخلاقی و متفاوت بودن حسن و قبح عرفی و فرهنگی را در این اثر شاهد هستیم.

«امیر خسرو مطلع الانوار را به شیوه نظامی در بیست باب و با تقدیس خداوند مناجات و نعمت پیامبر آغاز کرده و در هر فصل عنوان اخلاقی و یا دینی انتخاب نموده و با آوردن فصلی در موضوع مطرح شده مطلب را با حکایتی کوتاه به پایان رسانده است. هر چند امیر خسرو در هر موضوعی، فصلی جداگانه نگاشته و به شکلی مباحث اخلاقی را ذیل عنوان هرباب دسته بندی نموده، اما پراکندگی گفتار و آوردن موضوعات متفاوت در هر فصل از ویژگی های مطلع است» (امیر خسرو، ۱۳۹۷: هفده).

سبک ادبی و مختصات فکری امیر خسرو: امیر خسرو یکی از بزرگ ترین شاعران

فارسی زبان و فارسی سرای هندوستان است. وی سبکی را ابداع کرد که در دوره ها و سالیان بعد به سبک هندی معروف شد. امیر خسرو ویژگی هایی در شعر خود استفاده کرده است که «کاربرد استعارات دور از ذهن، تشبیهات شگفت، مضمون سازی های بدیع و به کار گیری مضامین محاوره ای و عامیانه از جمله این موارد هستند» (رئسی بهان، ۱۳۸۸: ۴۷)؛ ساختار زبانی او در حقیقت نوعی ساختار بینابین سبک عراقی و هندی بوده است. همچنین می توان به ویژگی شعری وی نظیر ساده بودن الفاظ اشاره کرد، به طوری که در اشعار وی لغات مشکل بسیار کم و به ندرت استفاده شده و همچنین کاربرد لغات ساده و مخصوص به عشق و محبت و غم و... که باعث شده اشعار وی برای همه قابل درک و تحلیل باشد. امیر خسرو ترکیبات را خودش به وجود آورده و از این روی گاه از ذهن مخاطب دور هستند. همچنین او از مضامین محاوره ای رایج در بین مردم هم به زیبایی استفاده کرده و آنها را در شعر خود گنجانده است. درباره شعر وی همچنین می توان گفت که معشوق در اشعار او زمینی است. او این معشوق را مدح می گوید و همیشه در پی ستایش اوست؛ اما در بطن تعبیرها و عبارات تحسین برانگیز وی اشتیاق برای رسیدن به معبود حقیقی و بی همتا نهفته است.

امیر خسرو کتاب رسائل الإعجاز را نیز در شرح فنون بلاغی تألیف کرده و برخی موارد آن از ابداعات خود اوست. «رفته رفته در سالیان بعد این فنون حتی تبدیل به مشخصه های سبک هندی شده است» (پیشین: ۴۹). مهم ترین ویژگی امیر خسرو که او را از شاعران هم عصر خویش ممتاز می کند، اسلوب معادله است که در بسیاری از ابیات امیر خسرو دیده می شود.



نوریان دربارهٔ سبک شعری امیرخسرو بر این باور است که او شاعری جامع‌الاطراف و بهره‌مند از علوم مختلف، آشنا به فرهنگ عمومی هند و ایران، برخوردار از روحیه‌ای حماسی و آشنا به اساطیر و داستان‌های کهن ایرانی است. همچنین «تلمیحات و کنایات لطیف و ظریف فراوانی دارد که دل‌بستگی او را به تعالیم اسلامی و آشنایی عمیق او با مفاهیم و آیات قرآنی و رویدادهای تاریخی اسلام را نشان می‌دهد. نشاط و روحیهٔ تساهل و ستایش و رع و پرهیزگاری، در کنار وصف مجلس باده و گزارش اتفاقات تاریخی که هر یک رشته و ریشه از جایی می‌کشد. روحیه شاد، تساهل و پرهیز او در امور، برخاسته از تأثیر تصوف و عرفان اسلامی - ایرانی و آموزه‌های هندویی است. موضوعات عمدهٔ شعری او در وصف، شامل مظاهر طبیعی دربار شاهان، میادین جنگ، قصرها و بناهای مذهبی، رقص جشن، مدح و پند و اندرز است؛ اما در کنار این موضوعات، دانش‌های نجومی، موسیقی، ریاضی و هندسه، جامعه‌شناسی، فرهنگ عمومی سرزمین‌های هند و ایران نیز اهمیت خاصی در مثنوی نه سپهر برخوردار است. وصف حقایق امور بیرونی و عینی به ویژه وصف میدان جنگ و اتفاقات آن و گزارش دقیق پدیده‌های طبیعت، او را شاعری برون‌گرا معرفی می‌کند» (نوریان، ۱۳۹۴: ۱۴).

امیر در سرودن غزل از سعدی پیروی کرده است و مضامین عشق و موضوعات عرفانی را به زبان ساده آورده است. اشعار وی در بحرهای کوتاه و لطیف است و در این امر از نوع نگارش شاعران ایرانی استفاده کرده است. وی با سنایی و خاقانی نیز دوستی و قرابتی داشته است و از شاعرانی مانند کمال‌الدین اسماعیل و انوری پیروی کرده است. امیرخسرو همچنین برای افرادی نیز الگو بوده که از او پیروی کرده‌اند. او حتی در میان شاعران ایران نیز نفوذ و تأثیر فراوان داشته است و در حکایت و سرودن مثنوی‌های عشق‌انگیز از امیرخسرو تقلید کرده‌اند. جامی پیش از شعرای دیگر با امیرخسرو و آثار وی آشنایی داشته و تلاش کرده تا خود را به مرتبهٔ او برساند.

۲. مضامین دینی و عرفانی در کتاب مطلع الأنوار

این کتاب، سرشار از معارف دینی، عرفانی و اخلاقی است. توصیف خداوند باری و پیامبر اکرم (ص) در اشعار و آثار امیرخسرو، به‌ویژه در مطلع الأنوار، جایگاه ویژه‌ای دارد.

امیر خسرو در مطلع *الانوار* همانند نظامی در *مخزن الأسرار*، آغاز سخن را در حمد و ستایش پروردگار آورده و حدود پنجاه بیت است (با توجه به اختلاف نسخ)؛ سپس مناجات‌های سه گانه را در توصیف و تحمید خدا به نظم کشیده است (حدود ۶۳ بیت). امیر خسرو در ادامه به نعت حضرت رسول (ص) پرداخته و سه نعت را در این زمینه سروده است (حدود ۱۳۶ بیت) (درباره مقایسه مطلع *الانوار* و *مخزن الأسرار* ر.ک: نبی‌لو، ۱۳۸۴: ۱۴).

۱-۲. اوصاف خداوند باری و تحمید خدا

نام خداوند سرآغاز کارها؛ شایسته و بایسته است آغاز هر کاری با نام و یاد حضرت حق تعالی باشد. بنابراین امیر خسرو نیز کتاب *مطلع الانوار* را با نام خداوند آغازیده است. بر اساس تعالیم اسلامی، شروع هر کاری بدون ذکر و نام خداوند، امری ناپسند و نکوهیده است و در قرآن کریم نیز «بسم الله الرحمن الرحيم» ۱۱۴ مرتبه تکرار شده است. از این رو نظامی گنجوی *مخزن الأسرار* را با همین عبارت آغاز کرده است:

بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم
فاتحه فکرت و ختم سخن نام خدای است بر او ختم کن

(نظامی گنجوی، ۱۳۸۷: ۱۵۵)

و امیر خسرو هم مطلع *الانوار* را با همین عبارت قرآنی آغاز کرده است:

بسم الله الرحمن الرحيم خطبه قدس است به ملک قدیم

(امیر خسرو، ۱۳۹۷: ۱؛ منزوی، ۱۳۵۱: ۴)

پیامبر اسلام درباره «بسم الله گفتن» فرموده است: «من قرأ بسم الله الرحمن الرحيم كتب الله له بكل حرف أربعة آلاف حسنة محاسبته أربعة آلاف سيئة ورفع له أربع آلاف درجة» (سیوطی، ۱۴۱۴ق: ۲۶).

عبارت قدسی «بسم الله الرحمن الرحيم» با توجه به کثرت استعمال در بین مسلمانان کم کم به صورت واژه مرکب در آمد و آن را به کلمه «بسمله» تعبیر کردند (خرم‌شاهی، ۱۳۸۴: ۱/۳۷۴).

گرچه شاعران مسلمان معمولاً منظومه‌های خود را با تعابیر گوناگونی از نام خدا



می‌آغازند، بسیاری نیز از همین عبارت قدسی «بسم الله الرحمن الرحيم» بهره می‌گیرند. منظومه‌های مهمی، عبارت کامل «بسمله» را در اولین بیت به کار برده‌اند (ر.ک: یلمه‌ها، ۱۳۹۱: ۹۹).

امیر خسرو در تبیین «بسم الله الرحمن الرحيم» از ترکیباتی مانند «خطبه قدس»، «زایچه فکرت»، «توقیع راز»، «رقم جان‌نواز»، «شمسه نه‌منظر»، «دیباچه وحی»، «طغرا و فاتحه حمد» بهره برده است (نبی‌لو، همان: ۱۴).

ستایش و حمد خدا: امیر خسرو بعد از استعانت و شروع با نام خداوند، به حمد و ستایش پرداخته و فقط خداوند را شایسته ستایش می‌داند.

آنچه ز جان زنده بر آرد نفس	فاتحه حمد خدای است و بس
به که ز بیچارگی جان خویش	معترف آییم به نقصان خویش
بر درت ای مایه ده زندگی	پیشه ما چیست به جز بندگی
سوی تو، نی دعوی طاعت بریم	عاجزی خود به شفاعت بریم

(امیر خسرو، ۱۳۹۷: ص ۵)

در آیات قرآن کریم این مطلب بسیار تأکید شده است و فقط خداوند شایسته پرستش و اطاعت معرفی شده است: «ایاک نعبد وایاک نستعین» (حمد: ۴).

امیر خسرو در ابیات خود در ستایش خداوند تعابیری مانند روزی‌رساننده، روزی‌رسان، عقده‌گشای دل‌غمکش، شادی‌کن سینه‌ناخوش، مونس اندیشه بیچارگان، خانه‌برانداز ستمکاران، زنده باقی، زنده جان‌آفرین و خالق موت و حیا را آورده است (نبی‌لو، همان: ۱۴-۱۵).

کلمه توحید (لا اله الا الله): یکی از اصول دین اسلام و سایر ادیان توحیدی، باور به یگانگی خداوند است. در دین اسلام یکی از شرایط اصلی و مهم برای پذیرفتن دین اسلام، گواهی دادن و شهادت به وحدانیت است. امیر خسرو نیز در مطلع *الانوار* بدان اشارت کرده است.

اول آن جمله شهادت شناس	هر الفش سهم سعادت شناس
لای شهادت که به توحید خاست	دو کش او دو گواهند راست
لا چو به وحدت، در آلا زده	هرچه جز آلا همه را لا زده

(امیر خسرو، ۱۳۹۷: ۵۸)



امیر خسرو در این آیات به شهادت بر وحدانیت خداوند اشاره کرده و خداوند را یگانه و بی‌همتا وصف کرده است و کلمه «لا اله الا الله» را مایه سعادت انسان می‌داند. در حدیثی منقول از امام رضا^(ع)، که به حدیث سلسله الذهب معروف است، به توحید اشاره شده و آن را دژ محکم برای امان معرفی می‌کند: «حدیثی آبی موسی الکاظم عن أبیه جعفر بن محمد الصادق عن أبیه محمد الباقر عن أبیه زین العابدین عن أبیه الحسین عن أبیه علی ابن أبی طالب قال حدیثی رسول الله صلی الله علیه و آله قال حدیثی جبرئیل قال سمعت عن الله تعالی قال کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی». (شیخ صدوق، ۱۳۹۹: ص ۲۵)

۲-۲. دست نیافتنی بودن ذات الهی

گرچه اندیشیدن در باره صفات خداوند و آثار عظمت و نشانه‌های قدرت او، امری پسندیده است، اما در کنه ذات خداوند ممکن و شایسته و بایسته نیست. همان گونه که شیخ محمود شبستری در گلشن راز به نیکویی بیان کرده است:

در آلا فکر کردن شرط راه است ولی در ذات حق محض گناه است (شبستری، ۱۳۷۱: ۷۶)

همین مطلب در روایت منسوب به پیامبر اکرم (ص) نیز آمده است: «تفکروا فی آلاء الله و لا تفکروا فی الله». (پیشین: ۶۳۵ به نقل از شرح جامع الصغیر ج ۲: ۲۲۷) و شاعران بزرگی مانند فردوسی نیز بدان اشاره کرده اند:

ز نام و نشان و گمان برتر است نگارنده بر شده گوهر استر

(فردوسی، ۱۳۹۶: مقدمه)

و مولوی نیز گفته:

زین وصیت کرد ما را مصطفی بحث کم جوید در ذات خدا

(۳۷۰۰/۴)

دست‌یابی عقل و فهم محدود و ناقص انسانها، به ذات نامحدود و بی‌حد و عدّ خداوند ممکن نیست. امیر خسرو نیز بر همین باور است و در مطلع الانوار این گونه سروده است:

عقل بدین گنج ندارد کلید وهم بدین پایه نیارد رسید



معرفت از جوید از این پرده بار
ور کند اندیشه بدین در ستیز

شحنه‌ی غیرت کندش سنگسار
دست سیاست زندش تیغ تیز

(امیر خسرو، ۱۳۹۷: ص ۱)

فکرت ما را سوی تو راه نیست
راز تو بر بی‌خبران بسته در

جز تو کس از سرّ تو آگاه نیست
با خبران نیز ز تو بی‌خبر

(همان: ص ۴)

قرآن کریم نیز در این باره می‌فرماید: «سبحانه و تعالی عما یصفون» (انعام/۶).

خالق ازلی و ابدی

وجود خدا از ازل وجود داشته و تا ابد نیز وجود خواهد داشت و امیر خسرو نیز در ابیات خود بدان اشاره کرده است.

نیست خدایی بجز آن بی‌نیاز
زنده‌ی باقی که جهان آفرید
آن که بود خالق موت و حیات
نیست بر آن هست که آرد نشست

کوست خداوند خداوند ساز
کی مُرد آن زنده که جان آفرید
مرگ بر او چیره کی آید به ذات
کو همه از نیست کند هر چه هست

(همان: ص ۲)

واجب الوجود بودن خداوند و محتاج بودن همه عالم به او

امیر خسرو موضوع واجب الوجود بودن باری تعالی و محتاج بودن همه عالم و مظاهر صنع به او را در اشعار بازتاب داده است:

ای دوجهان ذره‌ای از راه تو
پشت فلک طوق سجود از تو یافت
گر ز تو موجود نباشد به زیست
هستی مطلق که در او حق تو راست

هیچ تر از هیچ به درگاه تو
شام عدم شمع وجود از تو یافت
آدمی فانی معدوم کیست؟
آن ز تو گوئیم که مطلق تو راست

(همان: ص ۴)

امیر خسرو همه عالم و هر چه در این عالم است را در مقابل وجود خداوند فقیر الی الله و هیچ دانسته است. همان گونه که در قرآن کریم نیز آمده است: ﴿یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله و الله هو الغنی الحمید﴾ (فاطر / ۱۵).

راهنمایی و هدایتگری خداوند: خداوند در نگاه دینی امیرخسرو هدایت کننده گمشدگان این دنیا است تا آنان را به راه راست رهنمون گردد.

گم شدگانیم در این تنگای	ره تو نمایی که تویی رهنمای
راه چو در پرده کلامم دهی	باز کن آن پرده که بارم دهی
گرچه به زنجیر درک درخورم	طوق ده از سلسله کوثرم
ده به صراطم قدمی مستقیم	تا که بدان سوی گرایم سلیم
در ره اسلام دلی بخش نرم	دیده از آن نرم ترم ده ز شرم

(همان: ص ۵)

آنچه بود مصلحت کار من	دور مدار از من و کردار من
گوشم از آن ابر پر آوازه کن	گلشن امید مرا تازه کن
چون به حساب عمل افتد شمار	حکم به دستور عنایت سپار
از رقم عفو دلم شاد کن	خط امانم ده و آزاد کن

(همان: ص ۶)

امیرخسرو در این آیات در برابر خداوند اظهار ضعف و عجز کرده و از خداوند هدایت می‌خواهد، زیرا جز خداوند راهبر و راهنمایی نیست. همان گونه که خدا فرماید: «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ». (آل عمران/۸).

۳-۲. هدایتگری خدا و احکامی برای هدایت و کمال بشر

خداوند باری تعالی، با توجه به رحمتی که به بندگان خاص دارد و خواهان به کمال رسیدن آنان است، علاوه بر ارسال رسل و پیامبران و فرستان کتاب هدایت، احکام و رهنمودهایی نیز بیان فرموده است. امیرخسرو در مطلع *الانوار* به برخی از آنها اشاره کرده است که در پی خواهد آمد.

نماز: نماز در نظر امیرخسرو «ستون دین» و «کلید بهشت» است.

بانگ نماز ارچه دوتا می‌رود	قامت او هم به سما می‌رود
پاک درختی ز سما تا زمین	رُسته ز سر چشمه‌ی «عین الیقین»
هر ورقش ضل مخلد شده	نامی از الله و محمد شده
دینی و عقبی زبرش مایه‌ای	سدره و طوبی ز سرش سایه‌ای
امر دوم در همه ایام خویش	پنج فریضه است به هنگام خویش



هر که قوی بازو از آن پنجه گشت گردن شیطان ز کفش رنجه گشت
 حبل متین کامت مصباح یافت از پی این کنگره معراج یافت
 شرم نداری که تو را ماه پاک خوانده به معراج و تو خفته به خاک
 (همان: ص ۵۹)

امیر خسرو دهلوی در ابیات بالا، نماز را به درختی پاک تشبیه کرده است که سایه آن مایه پناه و وسیله شکست دادن شیطان است. در احادیث و آیات و متون دینی نیز نماز یکی از مهمترین سفارشها است. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «الصلاة عماد دینکم» نماز، پایه و ستون دین شماست. (ری شهری، ۱۳۹۵: ج ۵، ص ۳۷۰). در حدیثی دیگر فرمودند: «الا أن الصلاة مأدبه الله فی الارض قد هناها لاهل رحمته فی کل یوم خمس مرآت، آگاه باشید نماز سفره گسترده خدا در زمین است که خداوند آن را روزی پنج بار برای اهل رحمتش گوارا نموده است». (محدث نوری، ۱۳۶۹: ج ۱، ص ۱۷۰)

روزه: روزه نیز مانند نماز، نامه کرم حضرت کریم برای هدایت و تکامل بشر است.

روزه کرم‌نامه‌ی روزی‌ده است نامه که حرفش «انا اجزی به» است
 ماه نور روزه که گردد پدید که چو سر غره و گه عین عید
 کرد اشارت ز یک ابرو که ضم وز دگر ابرو به اشارت که قُم
 صایم از این مملکت دین خدای مشرق بند آمد و مغرب گشای
 روزه که خورشیدوی آتش‌وش است نور وی آنک سپر آتش است
 (همان: ۶۳-۶۲)

در نظر امیر خسرو دهلوی روزه لطف و کرم الهی و سپر آتش جهنم است. امیر با اشاره و تلمیح به روایت نبوی، آن گونه که خداوند می‌فرماید: «الصوم لی و انا اجزی به». (عاملی، ۱۳۸۶: ج ۷، ص ۲۹۲)
 همچنین در قرآن کریم آمده است: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام...». (بقره/ ۱۸۳)

مبارزه با نفس: برای هدایت شدن و پیمودن راه سعادت باید با نفس اماره مبارزه کرد.

دیو بس انبوه و پریشان تنم بدرقه‌ای ده که بر ایشان زنم

مزبله‌ی دیو درون من است زین دل آلوده که خون من است
 تا کنم از خویش به سویت گریز در ره خویشم روشی بخش تیز
 نفس زبون گیر زبونم گرفت زین دم غفلت که درونم گرفت
 کاهوی من باز رهد زین پلنگ قوت شیریم چنان ده به چنگ

(همان: ص ۵)

ای شده بازیچه‌ی دست هوا کرده روایی به ره ناروا
 جهد و بال این چه پریشانی است ترک خدا این چه مسلمانی است
 هیچ کس از بند خود آزاد نیست هیچ دلی را ز خدا یاد نیست

(همان: ص ۶۵)

مرد نه آن شد که ز شهوت پرست مرد که تو بالغ دین سازی‌یش
 اوست که شیطان ندهد بازی‌یش دل مکن از شهوت آلوده شاد
 خیره مده نقد جوانی به باد

(همان: ص ۶۸)

امیر خسرو هم در ابیات یاد شده، به این موضوع اشاره و بیان کرده که دشمن اصلی آدمی در درون خود او است و باید بکوشد تا بتواند از این دیو درون برهد و نجات یابد.

ستایش عارف حقیقی و نکوهش عارفان ریاکار

در راه سلوک الی الله علاوه بر انجام وظایف و تکالیف الهی، باید در این راه، سالک خالص و رهرو حقیقی بود و از ریا و شرک دوری کرد. عرفان و سلوک به لباس تقوا و سیرت نیکوست نه لباس ظاهری و صورت زیبا.

هست بسی عارف پشمینه پوش کیش نرسد بانگ موذن به گوش
 چون ز می‌اش دور به سلطان شود تند به محراب خرامان شود
 گرتو به محراب شوی آب جوی روغن دوزخ بود آن آب روی
 رو به فلک تا نگری در حضور چشمه‌ی خورشید چو دریای نور
 این همه مردان که ملایک پرند مور نمائید و سلیمان قَرنند
 چند چو سنگی به زمین در شوی پرتو شان جوی، که گوهر شوی
 باده و تسبیح به یک لب خطاست مجلس و محراب به یک شب خطاست
 طاعت آلوده نیاید به کار مشک جگر سوده نیاید به کار



صوفی می‌خواهد که گوید ز حال صورت پاک از می‌رخشان مخواه
 گر همه کشف است مدان جز خیال صدق در آینه شیطان مخواه
 زنده فقیری است که دم باشدش اوست رونده که قدم باشدش
 خضر و مسیحا که مکرم شدند مایه عمر از قدم و دم شدند
 رند مقام که بود پاک باز به ز عبادتگر با حرص و آز
 (همان: ص ۷۵-۷۲)

امیر خسرو، صوفیان ناصافی و ریاکار را نکوهیده و بر این باور است که چه بسا عارف‌نمایی هستند که لباس مخصوص بر تن کرده‌اند و تظاهر می‌کنند ولی در هنگام اذان، صدای موذن را نمی‌شنود و دعوت حق را لیک نمی‌گویند. با دهان آلوده به شراب، ذکر خداوند (سخن حق) خطاست. او در مقابل، عارفان حقیقی را ستوده و آنها را با تعابیری مانند چشمه نور، دریای نور و... یاد می‌کند. پیامبر گرامی اسلام در این باره می‌فرماید: «لا یقبل الله عملا فیه مقدار ذره من ریاء، خداوند عملی را که ذره‌ای از ریا در آن باشد قبول نمی‌کند» (فیض کاشانی، ۱۳۸۴، ج ۶: ص ۱۴۱)

امید به رحمت خداوند و طلب نعمت از درگاه الهی

خداوند نسبت به بندگان و مخلوقات خویش بشار مهربان است و کرم خدای تعالی نعمت جاویدی برای بشر است. در این راه با امید و با پیروی از دین محمد (ص) باید حرکت کرد.

ای ز تو پر، دامن امید ما وز کرم‌ت نعمت جاوید ما
 چون تو گشادی در جاویدیم کی بود اندیشه نو میدیم
 گنج گشاده کن و راهم بده خواهش آموز و چو خواهیم بده
 در لب من نه ز سر خوان خویش لقمه به اندازه احسان خویش
 راه چنان بر که چو از خود روم با شرف دین محمد روم
 (همان: ص ۷۶)

امیر خسرو چشم امید به رحمت خداوند دوخته و خواهان آن است که خداوند او را یاری کند، تا مسلمان و با ایمان از دنیا برود، همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «... لا تقنطوا من رحمة الله». (زمر/۵۳)

ستایش پیامبر ختمی مرتبت: در نگاه امیر خسرو آراستگی آسمان به ستارگان به

خاطر وجود مبارک حضرت ختمی مرتبت است. سوره حمد و حامیم برای اوست و نه فلک به برکت نام مبارک او برجا و بر پاست.

چرخ کزین سان عجب آراستند	بهر رسول عرب آراستند
احمد مرسل که نوشته قلم	حمد به نام وی و حم هم
نه فلک از نام محمد مقیم	هر دو جهان در حد نامش دو میم
زان ازلی مکتب امی لقب	عقل کل آموخته لوح ادب
کرده و کیلان قضا در نخست	هم به قدم سبق حدیث درست
هر سخنش کاصل مسلمانی است	حاشیه نامه ربانی است
درس شرف کرده به خیر المآب	شیر خرد خورده ز ام الکتاب
عین عنایت ز عطای کریم	دال هدایت به ره مستقیم
عروه و ثقای کنف نور او	حبل متین نسخه منشور او
ای نفست گنج خدا را کلید	گوهر آن گنج تو کردی پدید
از تو صدایی به الست آمده	نیست به مهمانی هست آمده
غرّه ماه از خم ابروی توست	طره شام از شکن موی توست
ماه به طوق خدمت چون هلال	شام به داغ حشمت چون بلال
صبح که شد طفل سحر شیر یافت	در تب شیر از تو تباشیر یافت

(همان: ۴-۸)

امیر خسرو بر این باور است که مکتب محمدی ازلی و ابدی است و گرچه امی و درس نخوانده است ولی عقل کل طفل مکتب اوست. نفس پاک پیامبر رحمت کلید گنج خدا است. آسمان و نور ماه و سیاهی زلف شب همه مظاهر جمال و کمال تو است. از این روی است که خداوند و ملائکه آسمان بر او درود فرستاده‌اند و ایمان آورندگان نیز باید بر او درود بفرستند:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾.
(احزاب / ۵۶).

معراج پیامبر گرامی اسلام (ص)

شرح معراج پیامبر گرامی اسلام در بسیاری از روایات آمده است. گرچه در قرآن کلمه معراج نیامده اما در دو سوره اسراء و نجم می‌توان شرح آن را مشاهده کرد. (ر.ک: )

یکی از معراج‌نامه‌های زیبا در ادب فارسی معراج نامه نظامی گنجوی در منظومه‌های خود بویژه مخزن الاسرار آورده است.

نیم شبان کان ملک نیمروز کرد روان مشعل گیتی فروز
با قفس قالب از این دامگاه مرغ دلش رفته به آرامگاه

(نظامی گنجوی، ۱۳۸۷: ۱۷۶)

امیرخسرو نیز که این منظومه را به پیروی نظامی سروده و به زیبایی همانند نظامی به موضوع معراج اشاره کرده است.

نیم شبی کان شه گردون غلام کرد به دولت سوی گردون خرام
ولوله در عالم بالا فتاد غلغله در گنبد والا فتاد
نه تنق و هفت صنم خواستند هفت و نه خویش بیاراستند
پیش کش آورد براقی شکفت کو دو جهان یک تک میدان گرفت
مژده رسان گفت به مژده پذیر کاورد آهنگ عرش از سریر
شاه رسل خاست بدین اتفاق برق صفت جست به پشت براق
از حرم اول که شد اندر خرام بر گذرش قبه بیت الحرام
آن حرم قدس چو وا پس فکند نور در اقصای مقدس فکند
جلوه نمود اشهب آن محترم خانه به خانه ز حرم تا حرم
گنبد دیگر که از آنجا نمود بر زبر مسجد اقصا نمود
بس که درون رفت در ایوان راز دور شد از خویش به راه دراز
شد به مکانی که مکانی نداشت وز خودی خویش نشانی نداشت
گم شد از احسان که ز حد بیش بود گم شدنش یافتن خویش بود
دست به دریوزه مقصود داشت روی به طاعت گه معبود داشت
ناظر دیدار پسندیده گشت وز پی دیدن همه تن دیده گشت
یافته عین الله و عین الیقین دیده به دو عین، خدا رامبین
دید و شنید آنچه ننگجد به هوش دیده همین بود و همین بود گوش
حرف سری شد چو ز احمد جدا حمد شد او جمله به لوح ثنا
کرد نمازی به نیازی تمام بود نماز او و ز حق والسلام

(همان: ص ۹-۱۲)



امیر خسرو در این آیات اشاره به معراج پیامبر گرامی اسلام دارد که این موضوع در آیه نخست سوره اسراء آمده است: «سبحان الذى أسرى بعبده ليلاً من المسجد الاقصى الذى باركنا حوله لنريه من آياتنا انه هو السميع البصير؛ (اسرا / ۱)؛ همچنین در جای دیگر فرموده است: «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى، ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى، وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى، ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى، فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى، مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى، أَفَتَمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَى، وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى، وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى، عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى، عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى، إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَى، مَا رَآهُ الْبَصَرُ وَمَا طَعَى، لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى». (نجم/ ۵-۱۸)

رحمت و شفاعت پیامبر گرامی اسلام(ص)

یکی از اوصاف و ویژگی‌های پیامبر اعظم(ص) «رحمه للعالمین» بودن اوست و وجود او سراسر رحمت و برکت نه تنها برای مسلمین که برای جهانیان است.

قلزم رحمت تویی ای بی نیاز	کز تو نمازی شده هر بی نماز
هر که طراز تو به بازو نهاد	نقد دو عالم به ترازو نهاد
برهنه گردان قیامت به دوش	گشته ز ذیل کرم‌ت حله پوش
سایه خویش آن که نکردیش نشر	داشته‌ایش از پی خورشید حشر
تا چو بسوزیم در آن آفتاب	خود فکنی سابه بر اهل عذاب
گر عمل از خویش ندارم امید	بر کرم توست هزار اعتمید....
این همه گستاخی ما بر گناه	زان سبب آمد که تویی عذر خواه....
من که به دل تشنه جوی توام	خسروام اما سگ کوی توام...
آرزویم آن که به روز شمار	مژده عفووم دهی از کردکار

(همان، ص ۱۴)

پیامبر در روز قیامت دستگیر گنهکاران است و همه از آتش و سوزش جهنم به او پناه می‌برند و به لطف دعای پیامبر امید بسته‌اند؛ همان‌گونه که در قرآن آمده است. ﴿وَمَا ارسلناك الا رحمة للعالمین﴾. (انبیا ۱۰۷)



از بررسی موضوع جایگاه ادبی امیر خسرو دهلوی و بازتاب اوصاف الهی و سیمای نبوی در کتاب *مطلع الانوار* نتایج زیر به دست آمد:

۱- امیر خسرو دهلوی، از شاعران توانمند اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم است؛ او به چند زبان تسلط داشت و با فرهنگ هند و ایران آشنا بود و باعث گسترش ارتباط فرهنگی و ادبی این دو سرزمین شد.

۲- سبک شعری امیر خسرو، گرچه ریشه در میراث ادب فارسی و بزرگان این قلمرو دارد، اما با ابداعاتی که داشته توانسته راهی نو بیاماید و پس از خود، مورد توجه و تتبع قرار گیرد و در پیدایش سبک هندی نقش ایفا کند.

۳- از ویژگی‌های اشعار او می‌توان به، ساده بودن الفاظ اشاره کرد به طوری که در اشعار وی لغات مشکل به ندرت استفاده شده و همچنین کاربرد لغات ساده و مخصوص به عشق و محبت و غم و... که باعث شده اشعار وی برای همه قابل درک و تحلیل باشد.

۴- امیر خسرو به خوبی توانسته مضامین دینی و اخلاقی را در اشعار خویش بویژه در *مطلع الانوار* بیاورد. وی در کتاب *مطلع الانوار* به مضامینی مانند توصیف خداوند تعالی، واجب الوجوب بودن خداوند، هدایتگری خداوند و ارسال رسل و جایگاه رسول خاتم و معراج ایشان پرداخته است و با زبانی شیرین، ساده و ادیبانه این مضامین را بیان کرده است.

۵- امیر خسرو در *مطلع الانوار* در آغاز حمد و ثنای خداوند را آورده و سپس اشعاری در ستایش پیامبر اکرم (ص) و عظمت رسول خدا را بیان کرده است. امیر خسرو در *مطلع الانوار* توانسته مخزن الاسرار نظامی را همانند سازی کند.

۶- کتاب *مطلع الانوار*، همانند کتاب نظامی، سرشار از معارف دینی، عرفانی و اخلاقی است؛ توصیف خداوند باری و پیامبر اکرم در اشعار و آثار امیر خسرو، بویژه *مطلع الانوار*، جایگاه ویژه‌ای دارد.



فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. استرآبادی، محمد قاسم (۱۳۹۳). تاریخ فرشته، چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
 ۲. امیر خسرو دهلوی (۱۳۹۱). دیوان کامل امیر خسرو. تصحیح سعید نفیسی. تهران: سنایی.
 ۳. پناهی، مهین (۱۳۸۹). اخلاق در مطلع الانوار امیر خسرو دهلوی، نشریه پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، پاییز ۸۹، شماره ۷: ۴۳-۶۲.
 ۴. خرمشاهی (۱۳۶۴). تفسیر و تفاسیر جدید. تهران: کیهان.
 ۵. خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۸۱). دانش نامه قران و قران پژوهی. تهران: دوستان و ناهید.
 ۶. دامغانی، حسین بن محمد (۱۳۶۱). قاموس قرآن، چاپ اول، تهران: بنیاد علوم اسلامی.
 ۷. دهلوی، امیر خسرو (۱۳۹۷). مطلع الانوار، تصحیح مریم زمانی، تهران: میراث مکتوب.
 ۸. راغب، حسین بن محمد (۱۳۸۸). مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا حسینی، تهران: مرتضوی.
 ۹. ری شهری، محمد (۱۳۹۵). میزان الحکمه، ترجمه ی حمید رضا شیخی، قم: دارالحدیث.
 ۱۰. رئیسی بهان، مصطفی، عناصر بلاغی در شعرا امیر خسرو دهلوی، نشریه پیک نور، بهار ۸۸، دوره ۷، ش ۱ ص ۴۷-۵۸.
 ۱۱. سدارنگانی، هرومل (۱۳۳۵ ه ش) پارسی گویان هند و سند، تهران: بنیاد فرهنگ ایران..
 ۱۲. سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۴ ق) الدر المنثور، بیروت: دارالفکر.
 ۱۳. سیوطی، عبدالرحمن (۱۳۸۸) اسباب نزول قرآن، قم: انتشارات غزالی.
 ۱۴. شبستری، شیخ محمود (۱۳۷۱). گلشن راز. شرح مفاتیح الاعجاز به کوشش برزگر خاکی و کرباسی. تهران: زوار.
 ۱۵. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۹) التوحید. صلوات.
 ۱۶. صفا، ذبیح الله (۱۳۸۶). تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس.
 ۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸ ش). تفسیر المیزان، چاپ پنجم، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
 ۱۸. عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۶) وسائل الشیعه، چاپ دهم، تهران: کتابچی.
 ۱۹. فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۶). شاهنامه. تصحیح خالقی مطلق. تهران: مرکز دایره المعارف



۲۰. فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۹۰). احادیث و قصص مثنوی. به کوشش حسین داودی. تهران: امیر کبیر.

۲۱. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۸۴). المحججه البيضاء، چاپ اول، قم: حسنین.

۲۲. کرمی، محمد حسین (۱۳۸۶). «منشور اخلاق آرمانی در خمسه ی امیر خسرو دهلوی». پژوهشنامه ادب غنایی ش ۸: ۸۹.

۲۳. کی منش، عباس (۱۳۸۵). امیر خسرو دهلوی و موسیقی دیوان او، نشریه ادب حماسی، زمستان ۸۵، شماره ۲. ص ۱۱۵-۱۳۳

۲۴. مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۶) بحار الانوار، تهران: اسلامیه.

۲۵. محدث نوری، حسین (۱۳۶۹). مستدرک الوسائل، چاپ اول، قم: آل البيت.

۲۶. محمد تقی، مصباح یزدی (۱۳۸۴ ش). آموزش عقائد، چاپ اول، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.

۲۷. مردانلو، پریسا و دیگران (۱۳۸۹). تحقیق در دیوان امیر خسرو دهلوی؛ پایان نامه ارشد. دانشگاه تربیت معلم تبریز.

۲۸. منزوی. احمد (۱۳۵۱). فهرست نسخه های خطی فارسی. تهران: موسسه فرهنگی - منطقه ای.

۲۹. نبی لو. علیرضا (۱۳۸۴). مقایسه مخزن الاسرار و مطلع الانوار. قم: سنجاقت.

۳۰. نظامی گنجوی (۱۳۸۷). احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار، به کوشش برات زنجانی. تهران: دانشگاه تهران.

۳۱. نوریان، سید مهدی و عالی محمودی (۱۳۹۴). سبک شعر امیر خسرو. پژوهشهای نقد ادبی و سبک شناسی. دوره ۶. ص ۱۳۷-۱۶۲.

۳۲. وفایی، عباس علی و یدی، نرگس (۱۳۹۲). ریخت شناسی عناصر زینتی و عرفانی اشعار امیر - خسرو دهلوی، زیبایی شناسی ادبی. اسفند، دوره ۴ ش ۱۸؛ ۲۳-۳۷.

۳۳. یزدانی، سوسن و وحانی، مسعود (۱۳۹۲). بررسی دو عامل موسیقایی وزن و ردیف در غزلیات امیر خسرو و حافظ، نشریه سبک شناسی نظم و نثر فارسی، تابستان. شماره ۲۰. ش ۲ دوره ۶.

۳۴. یلمه ها. احمد رضا ۱۳۹۱. فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان فارسی. ش پ ۱۳ ص ۹۹-۱۲۰.

۳۵. یمن الدین، ابوالحسن (امیر خسرو دهلوی) (۱۹۶۲ م) گردآوری اقبال صلاح الدین، چاپ اول، لاهور، پیکجز لمیتد.